

دکتر سیروس برادران شکوهی*

تحقیق تازه درباره ترور میرزاعلی اصغر خان (اتابک اعظم)

سالی که زمزمه تأسیس عدالتخانه در ایران برخاست. تبریز نیز پایه پای عدالتخواهان تهران این زمزمه برحق مردمی را سرداد. چون مشروطیت استقرار یافت و کلابه تدوین قانون اساسی پرداختند کسه در ۵۱ ماده، روز ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ ه. ق. به تصویب و امضای مظفرالدین شاه رسانیده شد. قانون تشکیل انجمن‌ها^۱ از نخستین لوایحی بود که مجلس آن را تصویب کرد.

" انجمن‌های ایالتی و ولایتی^۲ در واقع به عنوان نماینده دولت مرکزی فعالیت می‌کردند و وظایفی چون نظارت بر انتخابات، رسیدگی به شکایات و جمع‌آوری مالیات بر عهده آنان بود"^۳.

شرایط ویژه اجتماعی ایجاب می‌کرد که اعضای انجمن‌ها برای نشر عقاید و انعکاس آن در ذهن مردم اقدام به انتشار روزنامه‌های به‌عنوان ارگان خود نمایند تا مردم را متوجه خواسته‌ها و کارهای انجمن‌های ایالتی و پیش آمدهای آذربایجان و تهران و حتی سایر ایالات و ولایات سازند. بطور کلی مطالب انجمن و دست اندرکاران مشروطه در تبریز بیشتر وقف رویدادهای جامعه آن روز ایران بخصوص حوادث انقلاب و پرداختن

* عضو هیأت علمی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز

به موضوعات حاد روز چون دخالت همسایگان استثمارگر شمال و جنس‌وب و برخورد شاه و دربار با مجلس و انجمن های ملی و کم و کیف کابینه‌ها از جمله کابینه اتابک اعظم و بود.

در این مقاله سعی می‌کنیم " تروراتابک " را از خلال منابع دست اول تازه یاب مطالعه و بررسی نمائیم.

از جمله این منابع دست اول روزنامه انجمن ارگان انجمن ایالتی و ولایتی آذربایجان بود - واقعیت این است که بسیاری از دولتیان با پاکدلی مشروطه را نپذیرفته بودند لذا مطالعه نظریات دست‌اندرکاران و منابع دست اول صدر مشروطه که حوادث را بالصراحه بازگو کرده اند ضروری می‌نماید. از جمله مسائل مهم روز رابطه میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدراعظم محمدعلی شاه قاجار و انجمن تبریز و حوادث ایالات و ولایات بعد از صدارت اتابک بود.

اتابک که بعد از چهار سال گشت و گذار در اروپا و ژاپن به ملاحظه روسیه و انگلستان به سال ۱۳۲۵ ه. ق. به ایران بازگشته بود و از ورود به کشور مورد سوء ظن آزادیخواهان و انجمن تبریز و نمایندگان آذربایجان در تهران بود.^۴ در تبریز رهبریت انقلاب دسیسه‌های دستگاه حاکمه و نیرنگ های دربار سلطنتی و صدراعظم مستبدکهنه کار تازه‌از راه رسیده را دقیقاً " زیر نظر داشتند. تلاش دار و دسته آنها را در تضعیف آزادیخواهان و سازمان و انجمن های وابسته به آنها از جمله نهادهای انقلابی چون انجمن های ایالتی و ولایتی ، انجمن های ملی و دموکراتیک پایتخت ، مطبوعات ، سازمان مجاهدین و فدائیان صدر مشروطه و راپیش بینی می‌کردند و بانهایت دقت و صداقت انقلابی ، مردم را برای مقابله و رویارویی آگاه و آماده می‌ساختند. از جمله اعضای انجمن ایالتی و ولایتی و رهبران نهضت در تبریز از جمله گردانندگان روزنامه انجمن خوب می‌دانستند که مظهر استبداد ، دربار محمدعلی شاه قاجار است که مشتی عمله ستم از روسوفیسل و انگلوفیل تشکیل دهندگان آنهاست.

روزنامه می‌کوشید تا در حمله به این دژ فساد و استبداد به حساب یکایک آنها برسد. گاهی به محمدعلی شاه می‌تاخت و زمانی به صدراعظم تازنه از ره رسیده اش. چه می‌دانست که این شاه و آن وزیر پیوند حیات می‌بایکدیگر دارند. این بود که گاهی به هردو یکجای تاخت و زمانی که از یکی اعراض می‌کرد به دیگری می‌پرداخت.

"انجمن" در حمله به مخالفین انقلاب مهره‌های بنیادی را هدف می‌گرفت و منظورش خشت اول دیوار استبداد و ریشه شجره خبیثه بود و نویسندگان روزنامه آگاه بودند که شاخ و برگ باکندن ریشه سرنگون و شکسته می‌شود. از این نظر عمدتاً "شاه و صدراعظم راه‌درف گرفته در شماره‌های خود بارهای بار اقدامات مستبدانه و محیلانه آنها را برملا می‌ساخت. محمدعلی شاه در پی گیری نقشه‌های خود، در براندازی مشروطه به وجود میرزا علی اصغر خان اتابک بسیار می‌نازید این بود که با همدستی دول استعمارگرا و رابه‌عنوان سکان دار کارگشته به هدایت کشتی شکسته رژیم خود برگزید.

اتابک، چون به صلاح دید دست اندرکاران دول استعمارگر انگلستان و روسیه و دست نشانندگان داخلی وارد ایران شد در اندک زمانی آن کرد که انتظار می‌رفت. ابتداتظاهر به آزادی و آزادیخواهی می‌کرد و بیه دگرگون شدن اوضاع دنیا و تجربه اندوزی خود در سنواتی که در خارج از ایران بوده و همگامی با مشروطه خواهان، ظاهر سازیهامی نمود ولی در باطن به لطایف الحیل به تفرقه و پراکندگی آزادیخواهان و انسجام و انتظام مستبدین می‌کوشید و به‌عنوان: "جناب جلال‌تآب امیرالامراء، العظام دام اقباله زیدمجده" به اقبال السلطنه ماکوئی نامه^۵ نوشت و او را در کارهای مشروطه برانداز خود تشویق و تأیید می‌نمود. گاهی "حضرت مستطاب اشرف افخم والا شاهزاده اکرم سرکار فرمانفرما دام اقباله"^۶ را با نویدهایی به فرمانفرمایی کل آذربایجان اعزام داشته به خوانین و سردستانان مستبدین و مهاجمین امید می‌داد که: "... همین

دوروزه حرکت خواهند کرد. دستورالعمل به ایشان داده شده است... انشاء الله بعد از ورود ایشان رفع بعضی اتفاقات بکلی خواهد شد و برخی احوالات بکلی موقوف می شود.^۷

پیش آمدهایی چون حرکات پسر رحیم خان^۸ در آذربایجان، قدرت یابی و تشبثات مخالفین مشروطه، دوتیرگی میانه، روحانیون و همه ناشی از تجربیات اندوخته وی از دنیای آزاد بود! تحریکات به جایی رسید که انجمن ایالتی تبریز آشکارا به نمایندگان خود در تهران تلگراف زد که: " این آشوب ها از انگیزش خود دولت است. اگر در تهران کاری از شما پیش نمی رود بیاید در آذربایجان خود دست بهم داده به چاره دردها کوشیم " ^۹ و نیز " عموم ملت " تلگرافی برای اتابک فرستادند:

" ... بی پرده اظهار عرض میدارد صدق مقال اینست که از روز ورود حضرت اشرف اطراف آذربایجان بلکه تمام نقاط ایران دچار انواع مصائب شده است و ظهور این غوائل با آن امیدواری ها که به کفایت حضرت اشرف داشته اند مخالف است. بلکه کم کم داعی بعضی شبهات از برای عامه ملت شده است لذا در مقام خیر خواهی عرض می کنیم که جهت اطمینان خاطر * ملت باید فوری عزل اقبال السلطنه را بخواهید که موجب سکون هیجان ملت شود."^{۱۰}

در حالی که انجمن ایالتی تبریز عزل فوری اقبال السلطنه و موجبات سکون هیجان ملت را از اتابک خواستار بود روزنامه " انجمن " در یکی از شماره های خود تلگراف او را خطاب به اقبال السلطنه انتشار داد! چنین بود که مردم ملاحظه را کنار گذاشتند، علنا " به بدگویی از وی برخاستند و حتی به مجلس شورانیز که تحت نفوذ کسانی از زعمای هواداری از وی می نمود اعتراض ها کردند. اتابک پاسخ های ریاکارانه به این تلگراف و تلگرافهای مشابه می داد چون: " در بدو امر که به شنای این دریای موج با وجود مواجهه این مخاطرات عظیمه اقدام

کردم...^{۱۱}، "تحقیق واقعات"،^{۱۲} "اقدامات لازمه در اصلاحات آنجا"،^{۱۳} "خواهد کوشید بارعایت..."^{۱۴}، "مهیا نبودن اسباب و آلات اجسراء"،^{۱۵} "تمام نشدن دستورالعمل های حکام که امروز حکام خود را بی تسلیف می دانند"^{۱۶} و....

کم کم نیرنگ های اتابک بی پرده شد و مردم قویا "می خواستند که او برکنار شود. در تهران در سخنرانی ها "تکفیرنامه" اتابک را بیرون آورده برکناری او را می خواستند و از هواداری مجلس از وی آزرده گی نشان داده می گفتند: "وزیر داخله^{۱۷} نمایندگان را با پول فریفته و اینک نمی گذارد کارها درست بشود"^{۱۸}.

در انجمن ایالتی تبریز آقا میرزا آقا اصفهانی^{۱۹} تقریرات محکمی نمود: "من با شخص صدارت در اسلامبول صحبت ها کرده و از مکنونات او آگاهی حاصل نموده ام. اگر رشته امور ایران شش ماه در دست اتابیک بماند ایران را به همسایه ها تحویل خواهد داد... از روزی که وارد خاک ایران شده است آشوب و فتنه در هر نقطه از نقاط ایران سربلند کرده و کلیه این اغتشاشات پس از ورود این شخص حادث شده است تا وقت فرصت فوت نشده هر چاره در کار خود دارید و می دانید بنمائی که بدبختانه ناموس ملک و ملت را بدست اجانب نسپاریم... تمامی این خرابیهای داخلی و خارجی که داریم از عدم مساعدت شخص اتابیک تواند بود و بس"^{۲۰}.

در تهران نیز حرکاتی دیده می شد به قول مولف تاریخ مشروطه: ایران: ".... از آن طرف چون روز چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۲۸۶ شمسی روز تشکیل مجلس بود مردم همراه انجمن آذربایجان روی به مجلس آورده به هایپسوی برخاستند که (دولت به ما خواب خرگوشی می دهد) از مجلس چند تنی از نمایندگان برای خاموش گردانیدن مردم بیرون آمدند... سرانجام پنج تن از میان مردم انتخاب شده به مجلس رفتند که بانمایند، دولت گفتگو کنند.

صادق رحیم اف^{۲۱} یکی از پنج تن به سخن پرداخته سؤال می کرد

رئیس مجلس از اتابک هواداری کرده پاسخ هایی می داد و نداشتن پول و سرباز رابانه می آورد. سپس با وزیر علوم حاج مخبر السلطنه هدایت^{۲۲} گفتگو شد. این قسمت از گفتگورا که در " انجمن " منعکس است و نشانی از آگاهی، وسعت اندیشه، آزادیخواهان صدر مشروطه است به جهت ارزش تاریخی عینا " نقل می کنیم :

رحیم اف : بنده از طرف این مردم سؤال می کنم آیا این وزیر داخله مسئولیت نظم داخلی را قبول فرموده یانه؟

وزیر علوم : بلی ماهرهشت وزیر قبول مسئولیت کرده ایم.

رحیم اف : بنده مهرهشت وزیر را عرض می کنم در صورتی که می فرمائید قبول مسئولیت فرموده اند پس جهت چیست که داخله خودتان را نظم نمی دهید؟!؟

وزیر علوم : این قدر که از قوهء مابیه فعل می آید و لازمهء کوشش است که می کنیم
رحیم اف : پس معلوم می شود که بیش از این از قوهء این هشت وزیر به فعل نمی آید که نظم بدهند در هر صورت بنده هم از طرف ایسن مردم عرض می کنم که ما هم به این اندازه قانع نیستیم.

وزیر علوم : ما شب عیش خودمان را آن شبی می دانیم که استعفاء داده باشیم. لیکن چند روز قبل در مجلس هم گفتیم و جسدان ممانع است که در وقت استراحت و آسایش بودیم و در این وقت که وقت کار و زحمت است خود را عقب بکشیم و علاوه یقین می دانیم آن روزی که ما پایمان را عقب گذاریم مملکت ایران به باد فنا خواهد رفت.

رحیم اف : این گمانی است که خودتان می فرمائید.

وزیر علوم : شاید این حرفی که شما می زنید سایر مردم راضی نمی باشند.

رحیم اف : بنده از طرف مردم عرض می کنم. در صورتی که این وزرای مسئول ادارات خودشان را منظم ندارند یا مانعی داشته باشند یا اینکه نخواهند نظم بدهند استعفا بدهند با کمال تشکر و امتنان قبول خواهیم کرد از طرف مردم می گویم:

از امروز تا ده روز دیگر هرگاه وزراء ادارات خودشان را تنظیم و اغتشاش سایر ولایات را رفع کردند فبها والا باید استعفاء بدهند و هیچ عذری هم قبول نخواهیم کرد.

رئیس مجلس: خیلی خوب .

وزیر علوم : اگر سر یازده روز یکی بزند سربگی را بشکنند از وزراء خواهی دید؟!

رحیم اف : بنده آنچه را که اسم اورا بی نظمی می گویند عرض می کنم —
 و اورا ایراد خواهیم گرفت. " ۲۳

دیگر روشن شده بود که اتابک را برای برانداختن مشروطه از اروپا خواسته اند. مردم به جای " امین السلطان " وی را " خاین السلطان " نامیده به دشمنی او برخاستند. هنوز مهلت مقرره رحیم اف سرنیامده بود که روزنامه " انجمن " خبر ترور انقلابی اتابک را نوشته اعلام داشت: " دو ساعت از شب رفته دم باغ بهارستان گلوه، لورور خالی نموده اتابک بفاصله ده دقیقه تمام شده است. " ۲۴

در تبریز: " روز یکشنبه ۲۲ رجب ۱۳۲۵ قمری که جمعی از وکلا، اعضای محترم طرف صبح در انجمن مقدس برای مذاکره و تسویه بعضی امورات (کذا) مجلس فوق العاده نموده بودند " ۲۵ در این جلسه در حالی که ایالت به اعضای انجمن توصیه می کرد که از مجاهدین خوی خواسته شود که دست از مخالفت با اتابک بردارند ... " فراش تلگرافخانه پاکتسی به دست جناب آقامیرزا آقا اصفهانی داد: " فدایت شوم امشب کاریک طرفی شد یارو (اتابک) از خلعت حیات عاری شد به عزل ابدی نائل گردید " ۲۶ از حصول این خبر طرز صحبت و مذاکرات تغییر کرد و مجلس را حال دیگری دست داد. آقامیرزا آقا اصفهانی گفتند: " قضی الامر الذی فیه تستفتیان " ۲۷ " انجمن " سپس تلگراف های دار الخلافه طهران و فرقه مجاهدین خوی را آورده می نویسد: " قلم نویسندگان دردمند از زحمت تعریف و تشریح

اعمال و افکار این ناخدای کشتی شکسته ایران فارغ گردید.^{۲۸}
 در آذربایجان، قتل اتابک سبب مناظره شیرینی بین نویسندگان
 مجله "ملانصرالدین" ^{۲۹} و روزنامه "آذربایجان" ^{۳۰} منطبعه
 تبریز، شد که در کتب تاریخی مشروطه ثبت است. صابر ^{۳۱} طنزنویس
 بزرگ زمان، برای آزادی و تغییر رژیم، ترور افراد را کار کم اهمیت
 و بی نتیجه می دانست و در مجله "ملانصرالدین" مردم را برای مقابله
 دسته جمعی و آگاهی و بیداری و دارا بودن به علم و دانش جدید و سرانجام به
 مبارزه نهایی به شکل عمومی دعوت می کرد.

"آذربایجان" نیز به جواب برخاسته پاسخ های مناسبی می داد که
 بدون آگاهی فردی آگاهی جمعی ممکن نیست و حرکت جمعی مجموعه
 گام هایی است که افراد بر می دارند و خط خونین مبارزات و انقلابات
 معروض از قطره خون هایی است که کنار هم ریخته می شوند و.....

"انجمن" همچنان در پی موضوع بود. ضمن درج اخبار و تلگرافات
 مربوط به اتابک از جانبازی، به نام "عباس آقاصراف آذربایجانی" ^{۳۲}
 فدایی شماره ۴۱ یاد کرده فداکاری او را در عاری ساختن اتابک از "خلعت
 حیات" و انعکاس این از جان گذشتگی در میان گره ها و دسته ها با اشاره به
 مراسم هفتم و چهارم وی در تهران و تبریز..... مردم را در چند و چون
 حادثه قرار می داد: ^{۳۳}

تانفس وار، نی کیمین افغان و فریاد ایلروق
 نی کیمین فریاد ایدوب عالمده بیر آدایلروق
 آه سردیله بنای ظلمی برباد ایلروق
 بوتلاشیله وطن ملکینی آباد ایلروق
 نی نواسیله گتورروق شوره اهل غیرتی
 ثابت اولسون تاجهانه بینوالر قدرتی . ^{۳۴}

میرزاغفار، ^{۳۵} در مراسم روز جمعه یازدهم ماه شعبان ۱۳۲۵ ه. ق.

ابیات مذکور را در سرآغاز گفتار مهیج - خود خطاب به حضار ایراد کرد و چنین گفت : " ... هم وطنان محترم! اظهار بدیهی کرده و عرض می‌کنم ایمن مساله واضح است که عموم افراد نوع بشر در اجراء وظایف موظفه انسانیت و جمله معتقدین مذاهب مختلفه فردا " فرد را یفاء قواعد قانون مذهبیه خویش ، جهاد و خودکشی می‌نماید . یعنی تلاش می‌کند به حدی که در خور بشریت اوست . پس ما افراد مسلمین که قطعاً " درانتشار او امر مذهبیه خویش ساعی هستیم به تشبیه عموم مجاهدین فی سبیل الله خواهیم بود و در صورتیکه مجاهدیم بر ما فرض است که در عزای این جوانمرد ، که ریشه ملعنت و خیانت را از ایران بریده و بر انداخته است گریبان چاک کنیم . بیائید! ای برادران در صفات مجاهدی تأسی بدین جوان کرده خائنین بی دین را از صفحه مقدسه وطن عزیز پاک کنیم." ^{۳۶}

تنها میدان " مقصودیه " ^{۳۷} تبریز این حال و شور را نداشت . سراسر میدان های ایالات ایران این حال را داشت . مردم به پا خاسته بودند به قولی " انقلاب خاصیت خود را پیدا می‌کرد " . ^{۳۸} دورنوینی در جنبش مشروطه ایران آغاز می‌گردید که شماره های " انجمن " شاهد و نشانگران است . دوره ای که شاعری در سروده اش چنین توصیف کرده :

ظالم به ستم همیشه لات آمده است .

رخ رفته پیاده با ثبات آمده است .

مشروطه طلب به اسب پیل است سوار

چون کشته وزیر شاه مات آمده است . ^{۳۹}

یادداشت ها :

- ۱- انجمن ، ارگان انجمن ایالتی آذربایجان ، ۲۱ .
- ۲- همان ، ۲۷ .
- ۳- همان .
- ۴- انجمن (روزنامه) ، س ۱ ، ش ۸۵ ، سه شنبه غره ربيع الاخر ۱۳۲۵ ه.ق. ، ص ۱ .
- ۵- انجمن ، ارگان ۱۲۵۰۰۰ ، رجال بامداد ، ج ۱ ، ۲۲۹ .
- ۶- رجال بامداد ، ج ۲ ، ۲۴۷ .
- ۷- انجمن ، س ۱ ، ش ۱۲۴ ، ۱۶ رجب المرجب ۱۳۲۵ ه.ق. ، ص ۲ .
- ۸- انجمن ، س ۱ ، ش ۸۷ ، یکشنبه ۱۳ ربيع الاول ۱۳۲۵ ، ص ۴ و شماره های ۸۹ و ۹۰ ، همان سال و شماره ۱۴۸ ، سال اول ، چهارشنبه غره رمضان المبارک ۱۳۲۵ ، ص ۳ و ۴ ، ۱۴۹ ، ص ۳ و ۴ ، شماره ۲۸ سال دوم ، دوشنبه ۹ ذیحجه الحرام ۱۳۲۵ ه.ق. ، ص ۲ و بسیاری از شماره های روزنامه انجمن .
- ۹- تاریخ مشروطه ایران ، ۳۶۶ .
- ۱۰- انجمن ، س ۱ ، ش ۹۸ ، غره جمادی الاول ۱۳۲۵ ه.ق. ، ص ۲ .
- ۱۱- انجمن ، س ۱ ، ش ۹۹ ، روز سه شنبه (۳) جمادی الاول ۱۳۲۵ ه.ق. ، ص ۳ .
- ۱۲- همان .
- ۱۳- " .
- ۱۴- " .
- ۱۵- تاریخ مشروطه ایران ، ۴۴۶ .
- ۱۶- همان .
- ۱۷- وزارت داخله را تا بک خود به عهده داشت .
- ۱۸- تاریخ مشروطه ایران ، ۴۳۸ .
- ۱۹- میرزا آقا اصفهانی مشهور به اسلامبولی و نفتی به علت کسادشغلی راهی

اسلامبول شد. بعد از فرازونشیب هایی در سفر سوم مظفرالدین شاه به اروپا (۱۳۲۳ ه. ق.) با عین الدوله صدراعظم وقت آشنا و سروسری پیدا کرده، نام ونشانی یافت. اما چند صباحی بعد به علت همکاری با میرزا حسن رشیدیه به کلات نادری تبعید شد. بعد از خلاصی مجدداً راهی اسلامبول شد. سفیر وقت پرنس ارفع الدوله او را به حال تبعید راهی تبریز ساخت. چون این زمان مصادف با دوره اول مجلس شورای ملی بود از تبریز به وکالت مجلس انتخاب گردید اما در نمایندگی نیسیز پنائیده راهی اروپا شد و آن بی بعد با تشبث و توسل پست هایی به دست می آورد تا در گذشت. ر. ک رجال بامداد، ج ۴، ص ۱۸۹، تاریخ مشروطه ایران، ص ۳۵۱، انجمن، س ۱، ش ۹۳، چهارشنبه ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ه. ق.، ص ۱.

۲۰- انجمن، س ۱، ش ۹۹، سوم جمادی الاول ۱۳۲۵ ه. ق.، ص ۳، زمین، ۲۱- صادق طاهباز فرزند حاج رحیم آقا طاهباز به مناسبت عدم دستگیری و لو رفتن بنامهای مستعاری از قبیل دکتر رحیم زاده و رحیم اف، بر روی خود انتخاب می کرد. از اعضای فعال اجتماع یون عامیون ایران و از دست اندرکاران صدر نهضت مشروطه بود. دیدارهای او با اتابک به نمایندگی از طرف خوب اجتماع یون عامیون ایران نشانی از موقعیت سیاسی و اجتماعی وی است. قرعه ترور اتابک اول بار به نام او درآمد ولی با ارائه دلایلی چند از سوی عباس آقا، خود مأوریت ترور اتابک را عهده دار می شود. طاهباز بعداً با ربط حزب دریا کو و شهرهای اروپا بود و کمک های موثر مادی و سیاسی به حزب می کرد، از جمله جمع آوری مبلغی حدود ششصد هزار تومان وجه نقد که مبلغ هنگفتی می بود به عنوان اهانه به مقاومت تبریز کرده بود تا در جنگ جهانی اول در شهر وین توسط متفقین کشته شد. ر. ک قیام کلنل محمد تقی خان پسیان، آذری علی، س، ص ۵۳ و ۷۸.

۲۲- برای آگاهی از شرح حال مخبر السلطنه هدایت به کتب معاصر

- و مشروطه مراجعه شود از جمله: خاطرات و خطرات، صص ۱۰۱۰ و بسیاری از صفحات، زندگانی من، عبدالله مستوفی ۶۸۷، تاریخ مشروطه ایران، در بسیاری صفحات، تاریخ انقلاب ایران، رجال ایران قرون ۱۲-۱۳-۱۴- مهدی بامداد، ج ۴، ص ۱۸۴ و
- ۲۳- تاریخ مشروطه ایران، ص ۴۴۱ .
- ۲۴- انجمن، س ۱، ش ۱۲۹، شنبه ۲۸ رجب المرجب ۱۳۲۵ هـ. ق.، ص ۲
- ۲۵- انجمن، س ۱، ش ۱۲۸، دوشنبه ۲۳ شهر رجب المرجب ۱۳۲۵، ص ۴ .
- ۲۶- انجمن، همان .
- ۲۷- بگذشت کاری که در آن فتوای خواستید. آیه ۴۱، سوره ۱۲ یوسف، انجمن، س ۱، ش ۱۲۹، شنبه ۲۸ رجب المرجب ۱۳۲۵ هـ. ق.، ص ۲ .
- ۲۸- انجمن، س ۱، ش ۱۲۹، همان .
- ۲۹- روزنامه - ملانصرالدین - از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۷ در تفلیس، بعد از انقلاب اکتبر ۸ شماره در تبریز و از ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۱ با ذرق ققاز توسط جلیل محمد قلی زاده نخجوانی در شهر باکو منتشر می شد. ر. ک تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۴، ص ۲۳۷ .
- ۳۰- روزنامه ای بود هفتگی، بذله سراکه با صور رنگین و فکاهی و هنری در سال ۶- ۱۳۲۵ هـ. ق. حدود بیست شماره توسط علیقلی صفراف در تبریز منتشر می شد. ر. ک تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ج ۲، ۱۶۷ .
- ۳۱- میرزا علی اکبر صابری زاده در سال ۱۲۷۸ هـ. ق. در شهر سماخی متولد و در ۲۸ ماه رجب ۱۳۲۹ هـ. ق. وفات یافت . تحصیلات مقدماتی را در مکتب حاجی میرعظیم کسب نمود. بعدها به کارهای مختلف و مسافرت های متعددی دست زد. اشعار و سروده های او در انقلاب مشروطه و جنبش های آزادیخواهی شرق از منزلت والایی برخوردار است. در آذربایجان و ایران شاعر اجتماعی و سیاسی چون صابر کم است و یا اصلاً وجود ندارد. دیوان شعرش بارها چاپ و در اندک زمانی نایاب شده است. رک کلیات هوپ هوپ نامه، نصری، هلال، تبریز، ۱۳۳۰ شمسی

- ۳۲- عباس آقاصراف تبریزی فرزند حاجی محمددر ۱۳۰۵ ه. ق. در تبریز متولد شد. بعدها راهی تهران شده در بازار تهران درسرای حاج ملاعلی دکان صرافی داشت. دارای یک خواهر و یک برادر بود. عباس آقا متعصب به انقلاب مشروطه بود و داوطلبانه ترور تابک را به عهده گرفت. بعد از ترور امین السلطان خودکشی کرد. ر. ک به کتب تاریخی معاصر و مشروطه از جمله: قیام کلنل محمد تقی خان پسیان، تاریخ مشروطه ایران، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، حسن معاصرو، انجمن ارگان انجمن ایالتی آذربایجان و
- ۳۳- تا که جان داریم چون نی آه و افغان می کنیم
شهره عالم شده، هر جانستان می کنیم
کاخ بیداد و ستم، با آه، ویران می کنیم
تا وطن آباد و مردم جمله شادان می کنیم
اهل غیرت را به جوش و شور و فریاد آوریم
در جهان نیروی ملت را فریاد آوریم.
- ۳۴- انجمن، س ۱، ش ۱۳۸، دوشنبه ۱۴ شهر شعبان ۱۳۲۵ ه. ق.، ص ۳.
- ۳۵- میرزا غفار ز نوزی از هواداران تندرو مشروطه بود. در آغاز جنبش از قفقاز به تبریز آمد و فعالیت شدیدی برای استقرار مشروطه در آذربایجان انجام داد. بعد از ورود سربازان روسی به تبریز وی به اسلامبول رفت. ر. ک انجمن ارگان انجمن ایالتی، منصوره رفیعی، ص ۴۴، تاریخ هجده ساله آذربایجان، ص ۴۱۰.
- ۳۶- انجمن، س ۱، ش ۱۲۸، پیشین.
- ۳۷- از میادین قدیمه شهر تبریز است. میدان و کوچه و عمارت مقصودیه منسوب است به مقصود بیگ بن حسن پادشاه آق قویونلو. ر. ک روایات الجنان جزء اول، ۶۷۹.
- ۳۸- تاریخ مشروطه ایران، پیشین، ص ۳۵۵.

۳۹- ملک زاده ، مهدی (دکتر) ، تاریخ انقلاب مشروطیت
ایران ، ج ۳ ، چ ۲ ، ۱۳۵۱ ، ص ۱۷۸ .

* بر خود لازم می‌داند از دوست ارجمندم جناب آقای دکتر سعید قره‌بیگل‌سو
عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلّم تبریز
به مناسبت ترجمه اشعار به فارسی تشکر و قدردانی نمایم.



شوریه‌نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع :

- ۱- بامداد، مهدی ، تاریخ رجال ایران قرون ۱۲-۱۳-۱۴، ج ۱، تهران، ۱۳۴۷
- ۲- براون ، ادوارد (پروفیسور) ، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت ، ترجمه محمدعباسی ، ج ۱ ، تهران ، ۱۳۳۷ .
- ۳- رفیعی ، منصوره، انجمن ارگان انجمن ایالتی آذربایجان ، نشر تاریخ ایران ، ج ۱ ، تهران ، ۱۳۶۳ .
- ۴- دوره روزنامه انجمن (شماره های سال اول و دوم) .
- ۵- سلطان القرائی ، جعفر ، روضات الجنان و جنات الجنان ، جزء اول، بنگاه نشر و ترجمه کتاب ، ج ۱ ، تهران ، ۱۳۴۴ .
- ۶- صدرهاشمی ، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران ، ج ۴ ، انتشارات کمال ، ج ۲ ، اصفهان ، ۱۳۶۴ .
- ۷- علی آذری ، س ، قیام کلنل محمد تقی خان پسیان ، ج ۳ ، بنگاه مطبوعاتی صفیعلی شاه ، تهران ، دی ماه ۱۳۴۴ .
- ۸- کسروی ، احمد ، تاریخ مشروطه ایران ، امیرکبیر ، ج ۵ ، تهران ، فروردین ماه ، ۱۳۴۰ .
- ۹- کسروی ، احمد ، تاریخ هجده ساله آذربایجان ، امیرکبیر ، ج ۳ . تهران ، ۱۳۴۰ .
- ۱۰- معاصر ، حسن ، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران ، انتشارات ابن سینا ، ج ۱ ، تهران ، خرداد ماه ، ۱۳۴۸ .
- ۱۱- ملک زاده ، مهدی (دکتر) ، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران ، ج ۳ ، ج ۲ ، تهران ، ۱۳۵۱ .
- ۱۲- ناصری ، هلال ، کلیات هوپ هوپ نامه ، تبریز ، ۱۳۲۵ ش .
- ۱۳- هدایت ، مهدیقلی ، (مخبرالسلطنه ، حاج) ، خاطرات و خطرات ، انتشارات کتابفروشی زوار ، تهران ، ج ۲ ، ۱۳۴۴ ش .



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی